

درآمدی بر

فقه محیط زیست

محسن عمیق

چکیده: حفاظت از محیط زیست از مباحث مهم و کاربردی روزگار است که به پردازش و تحقیق در حوزه‌های مختلف از جمله فقه اسلامی نیاز دارد. فقه مبنای قوانین اجتماعی و فردی است و از این رو بازشناسی ظرفیت‌های موجود در منابع فقهی اعم از کتاب، سنت، عقل و اجماع دارای اهمیت است.

برای شناخت این امر سه عرصه مختلف وجود دارد: یکم. مسئولیت

همگانی؛

دوم. مسئولیت حاکم اسلامی؛

سوم. احکام و قواعد خاص و عام فقهی.

هر کدام از این سه در نوع خود مهم‌ترین ابزار حفاظت و جلوگیری از

تخریب‌های محیط زیست است.

کلید واژه‌ها: فقه، محیط زیست، مسئولیت همگانی، مسئولیت حاکم

اسلامی، قواعد فقه، ضمان.

مقدمه

بی شک برای بقای بشر باید به حفاظت از محیط زیست اندیشید. اصطلاح محیط زیست در هیچ یک از کنوانسیون‌ها، معاهدات و بیانیه‌های مهم بین المللی تعریف نشده، اما با نگاهی کلی می‌توان گفت محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیباشناختی اطلاق می‌شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال نیز کیفیت زندگی بشر اثر گذار است.

اغلب فاجعه‌های زیست محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار این دنیای پهناور رخ می‌دهد، حاصل فعالیت‌هایی است که بشر به ویژه از صد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرایند صنعتی شدن به آنها دست یازیده و همگی باعث تخریب و آلودگی محیط زیست می‌شود. مدت‌هاست که علاج این گونه نابسامانی‌ها که سلامتی بشر را به خطر انداخته، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشست‌های بین المللی متعددی را شکل داده است.

امروزه بسیاری از کشورها، به سوی توسعه پایدار گام برداشته‌اند. لازمه هر توسعه پایدار برآوردن نیازهای نسل فعلی است، بی آنکه به زیان رساندن به توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازها انجامد.

از این رو برای ادامه توسعه فراگیر و پایدار ضروری است در سیاست‌های کلان و خرد اقتصادی و فرهنگی تعدیل‌هایی صورت پذیرد و در حوزه قانونگذاری، اصول قانونی استوار با ضمانت اجرایی تمام وضع و آموزش‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست فراگیر و عرفی شود، چنان که در بین عامه مردم رواج پیدا کرده باشد و آموزش که مقدمه فرهنگ‌سازی است، زمینه پیروی مستمر از قوانین محیط زیست را برای عموم مردم فراهم کند. البته عامل اساسی و محکمی که درباره فرهنگ‌سازی بسیار تأثیرگذار است، باید‌ها و بنیاد‌های دین و دستورهای دینی و فقهی اسلام است که مهم‌ترین عامل ضمانت اجرایی

مسلمانان است. از این رو به نظر می‌رسد می‌توان میان فقه و محیط زیست تعاملی نقش‌آفرین ایجاد کرد و برای پیش برد فرهنگ‌سازی حفاظت محیط زیست از ظرفیت‌های نهفته در قرآن کریم و سنت معصومان (ع) بهره برد. درباره شناخت ظرفیت‌هایی که می‌توان در فقه اسلامی برای حفاظت از محیط زیست بدانها استناد کرد، به سه حوزه مختلف مسئولیت همگانی، حاکمیت، قواعد و اصول عام و خاص و آن‌گاه به تبیین رویکرد و اصول مدون در فقه و حقوق اسلامی باید پرداخت:

الف) مسئولیت همگانی در حفظ محیط زیست

نظام اسلامی دیده‌بانی و مراقبت از یکدیگر را در جامعه با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌کند و بی تردید محافظت و مراقبت از محیط زیست از شئون زندگی اجتماعی است و از این جهت مشمول این ادله می‌شود.

وَلَكِنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^۲

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان!

علامه طباطبایی «عرف» را چنین معنا می‌کند:

واژه «عرف» به معنای سنت‌ها و سیره‌های زیبایی است که عقلای جامعه آن را می‌شناسند. در مقابل «عرف» (معروف)

۱. آل عمران / ۱۰۴.

۲. اعراف / ۱۹۹.

رفتارهای نادر و غیر مرسومی است که عقل اجتماعی آنها را بر نمی تابد که به آن در اصطلاح «منکر» گفته می شود.^۳

به طور کلی بر آنچه در نزد عقل و شرع نیکو و پسندیده شناخته شده، در اصطلاح قرآن «عرف» نامیده می شوند که انسان باید پیوسته در جامعه این روش پسندیده را در پیش گیرد و دیگران را به آن دعوت و سفارش کند.

دستور قرآنی «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ»^۴ و سایر آیات و احادیث در این زمینه تأکیدی است بر اینکه تنها انجام عمل نیک و صالح کافی نبوده، بلکه باید دیگران را به این روش دعوت کرد تا در جامعه عمل صالح گسترش پیدا کند، همگانی شود و در همه جا گسترش یابد.

اگر انسان به قدرت ایمان و علم مجهز نباشد و از طرف دیگر، نظارت سایر انسان های مسئول بر وی ضعیف و سست گردد به آسانی به سوی فساد منحرف می شود که این گونه فسادها می تواند عرصه محیط زیست و بستر حیات انسانی را با بحران و معضلات عدیده ای مواجه سازد. از این رو دعوت مردم به رفتارهای هنجاری زیست محیطی در قالب «امر به معروف و نهی از منکر» ماهیتی زیست محیطی دارد که در حقیقت ضامن اجرای وظایف فردی و اجتماعی در قبال محیط زیست است و در حکم روح و جان آنها محسوب می شود.

از نظر تعالیم الهی، ایستادگی در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت تلقی شده است. قرآن کریم تباهی امت های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی جامعه می داند:

فَلَوْلَا كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ^۵

۳. المیزان، ج ۸، ص ۳۸۰.
 ۴. اعراف/ ۱۹۹.
 ۵. هود/ ۱۱۶.

پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند.

گفتنی است که مراد، فساد تکوینی و آن چیز نیست که در گردش زمان فاسد می شود؛ چون انسان در پاره ای از فسادها دست ندارد، بلکه مراد فسادهای تشریحی است، یعنی فسادی که به دست بشر پدید می آید. از جمله ملموس ترین فسادها در نعمت های خدادادی زمانی رخ می دهد که بشر برای برآوردن خواسته های خود در طبیعت تصرف می کند؛ تصرفی ویرانگر و بدون در نظر گرفتن قوانین حاکم بر طبیعت. البته مبارزه با فساد ابزارهای مناسب خود را می طلبد.

پس ضروری است که مسئله امر به معروف و نهی از منکر که مسئولیتی اجتماعی است و اسلام بر آن تأکید دارد، در رابطه با مسائل زیست محیطی نیز برای جلوگیری از فساد و انحراف و در پیشبرد ارزش های متعالی و سلامت اجتماعی امری جدی تلقی شود و از اهم واجبات و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانسته شود.

لذا در این باره باید موضوع شناسی کرد و فقیهان باید محدوده حریم هر کدام را تفقه کنند.

اصل پنجاهم قانون اساسی صریح ترین حکم قانون گذار اساسی در این زمینه است:

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

ب) مسئولیت حکومت اسلامی در حفاظت از محیط زیست

بی تردید پروردگار متعال، طبیعت را به تسخیر انسان درآورد تا او از آن بهره بردارد و سود گیرد. آیاتی از قرآن کریم به صراحت بر این نکته تأکید دارند:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^۶

ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

از آنجا که زمین و آنچه در آن است، محیط زیست انسان را تشکیل می دهد و جزء نعمت های عمومی است و آسیب به آن کل جامعه را به مخاطره می اندازد، حاکم باید با تمهید قوانین لازم و ضمانت اجرایی آن، به حفظ محیط زیست مبادرت ورزد. همان طور که این روش در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) وجود دارد و به نظر می رسد این عهد بین خدا و حاکمان برای جلوگیری از فساد در زمین بوده است ..

سیره عملی و قولی پیامبر اسلام (ص) بر چگونگی تشویق امت به حفاظت از دنیای طبیعت و تحذیر از فساد در آن و گاه برخورد با عوامل آن دلالت می کند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:^۷

لَا تَقْطَعُوا الشَّجَرِ إِذْ فَضِيَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا^۸

درختان میوه را قطع نکنید؛ زیرا خداوند بر شما عذاب می فرستد.

۶. الاسراء/ ۷۰.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵، ح ۴.

۸. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۸.

به نظر می رسد منظور از این نهی، حکومتی بوده که تخلف از آن عذاب الهی را در پی می آورده است.

بنابر روایتی از امام صادق (ع) سیره پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) این بوده که علی (ع) با بیل زمین ها را می کند و پیامبر (ص) هسته خرما را با آب دهان تر می کرد و در آن حفره می گذاشت.^۹

حضرت علی (ع) نیز در نامه ای به مالک اشتر، فرماندار مصر می نویسد:

وَلِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَيْلَاحَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ...^{۱۰}

ای مالک اهتمام تو به آباد کردن زمین بیش از همت گماردن تو به جمع آوری درآمد باشد؛ چون درآمد بدون آبادانی حاصل نمی شود.

امیرمؤمنان مهم ترین وظیفه حاکم اسلامی را سازندگی دانسته نه فقط انباشتن خزانه کشور. از این رو حال که در نظام جمهوری اسلامی حاکمیت تحت نظر ولی فقیه قرار دارد، ضروری است برای ممانعت از «افساد فی الارض» تمهیداتی اندیشید.

هدف اساسی دولت اسلامی در بخش محیط زیست، تأمین پایداری و استفاده عادلانه و کارآمد از منابع طبیعی و انسانی است. بدین منظور دولت اسلامی، اقدامات متفاوتی را در چهار زمینه اصلی برنامه ریزی، قانون گذاری، نظارت و مالکیت عمومی منابع را به عهده می گیرد. براساس این چهار زمینه مهم ترین وظایف حکومت اسلامی درباره محیط زیست عبارتند از:

۱. پی ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی؛

۲. اجرای قوانین مبارزه با مفسدان زمین و تخریب گران طبیعت برای

تأمین مصالح عمومی؛

۳. توجه به مسائل محیط زیست و اخلاق زیست محیطی در تعلیم و

۹. حلیة الأبرار، بحرانی، ج ۱، ص ۳۶۲.

۱۰. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

- تربیت اسلامی و فرهنگ سازی زیست محیطی بر اساس تعالیم آسمانی؛
۴. بهره گیری از افراد شایسته در هرم اداری محیط زیست که با قدرت تمام توانایی مقابله با مفسدان را داشته باشند؛
 ۵. بهره گیری از شیوه های جدید زیست محیطی سازگار با نظام اسلامی؛
 ۶. بهره گیری از سیاست های کلان اقتصادی و فرهنگی برای توسعه پایدار توأم با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست؛
 ۷. ترسیم و ارائه راهکارهای انتقال از وضعیت موجود محیط زیست به وضعیت مطلوب آن؛
 ۸. تلاش برای توانمندسازی محققان و تولید اطلاعات پژوهشی و توسعه مدیریت شبکه ای به منظور ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی و صنعتی و پزشکی و توسعه دانش فناوری های نوین با محوریت محیط زیست.

ج) احکام و قواعد فقهی

کتاب، سنت، عقل و اجماع چهار منبع اصلی فقه هستند و از ظرفیت های بسیار بالایی برای وضع مقررات حفاظت از محیط زیست برخوردارند. به طور کلی در دو بخش عام و خاص می توان در این جهت از فقه استعانت جست.

۱. مقررات عام

آیات و روایات بسیاری به طور عام، ایجاباً و سلباً احکام محیط زیست را به گونه وجوب، حرمت، استحباب و کراهت، به صورت تکلیفی وضعی بیان می دارند:

یکم. حرمت افساد در زمین

قرآن کریم بارها از فساد کردن در زمین نهی کرده است، از جمله:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۱

۱۱. الاعراف/ ۸۵.

و در روی زمین بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید!

این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ۱۲

[نشانه آن، این است که] هنگامی که روی برمی گردانند [و از نزد تو خارج می شوند]، در راه فساد در زمین کوشش می کنند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند [با اینکه می دانند] خدا فساد را دوست نمی دارد.

از این آیات استفاده می شود که مراد از فساد و افساد، فساد تکوینی نیست؛ چون در پاره ای از فسادها دست کسی دخالت ندارد. عالم کون و فساد و نشئه تنازع در بقا منظور نیست، بلکه مراد از این فساد، فسادهای تشریحی است؛ فسادی که به دست بشر پدید می آید. ۱۳

همان گونه که «وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» نیز در مقام بیان یکی از مصادیق افساد در زمین است که عبارت از نابود کردن نوع نبات و نسل موجودات عالم است و چون مطلق آمده، می توان گفت شامل همه نسل های موجودات، حیوانات و گیاهان و جنگل ها و مزارع است و در نوع انسانی اطلاق ندارد. بنابر این می توان گفت از بین بردن هر نوع حرث و نسل اعم از حیوانی و گیاهی و نباتی جزء مصادیق این آیه است و افساد محسوب می شود و می توان حکم حرمت فقهی برای آن صادر کرد. چنان طوری که با استناد به کلام «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» چنین فسادی مبغوض خداوند است، بیان چنین حکمی آسان می نماید و می توان نتیجه گرفت که افساد در زمین مطلقاً حرام است.

۱۲. بقره/ ۲۰۵.

۱۳. المیزان، ج ۲، ص ۹۶.

از آنجا که زمین و آنچه در آن است، محیط زیست انسان را تشکیل می‌دهد و جزء نعمت‌های عمومی است و آسیب به آن کل جامعه را به مخاطره می‌اندازد، حاکم باید با تمهید قوانین لازم و ضمانت اجرایی آن، به حفظ محیط زیست مبادرت ورزد.

دوم. وجوب حفظ توازن در طبیعت

این حقیقت در برخی از آیات یادآوری شده است:

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛^{۱۴}

خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است
و الْأَرْضَ مَدَدْنَا وَ آفَاقِنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ وَ إِن مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛^{۱۵}
و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویانیدیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم!

بر اساس این آیات، اراده خداوند بر حفظ توازن و هماهنگی در نظام خلقت بوده و به همین دلیل خداوند نیز از انسان خواسته است تا توازن را پاس بدارد و آن را با عملکردش به هم نزند.

از آنجا که اراده تکوینی با اراده تشریحی خداوند هماهنگ است، می‌توان

۱۴. طلاق/۳.

۱۵. حجر/۱۹-۲۱.

استنباط کرد هر رفتاری که موجب بر هم زدن طبیعت باشد عدم هماهنگی بین اراده تکوینی و تشریحی را به همراه دارد. لذا به موجب این ناهماهنگی می‌توان حکم فقهی مصادیق آن را در قالب حرمت و کراهت بیان داشت.

سوم. قاعده لاضرر

گرچه درباره قاعده «لاضرر» سخن بسیار رفته و احتمال‌های گوناگونی مطرح شده، هریک از آنها معنای اصلی قاعده را که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت می‌کند، وسعت می‌بخشد. این قاعده که در مسئله حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون‌گذاری و اجرای قانون به شمار می‌رود. و بنابراین هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می‌توان در قالب قاعده «لاضرر» بررسی کرد، مانند:

- بیرون ریختن زباله‌ها به خصوص زباله‌هایی که تجزیه نمی‌پذیرند؛

- بهره‌برداری غیر مجاز از جنگل‌ها و حریم دریاها که در جریان سیل و

دیگر مشکلات زیست محیطی تأثیری بسزا دارد؛

- اشغال خیابان و پیاده‌رو توسط مغازه‌داران، فروشندگان و دیگران؛

- استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه‌های غیر استاندارد؛

- ایجاد آلودگی صوتی به وسیله مجالس جشن و عروسی، بوق زدن‌های

بی‌جای اتومبیل‌ها، سروصدای غیر طبیعی، حتی صدای بلندگوی مساجد و

هیئت‌های مذهبی.^{۱۶}

۱۶. اخلاق زیست محیطی در اسلام، محسن عمیق و سید فضل‌الله حسینی،

چهارم. قاعده عدالت

عدالت ناموس بزرگ الهی است و مدار آفرینش نظام تکوین و پیدایی نظام تشریح بوده است. در قرآن آمده است:

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَتِمُّوا
الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛^{۱۷}
و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در
میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن
را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید!

پیامبر اکرم (ص) در ذیل این آیه، فرمود:

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛^{۱۸}

استواری آسمانها و زمین به عدل و داد است.

عدل در نظام هستی به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب خود است و عدالت آن است که حق هر موجودی، چنان که شایسته اوست، ادا شود؛ «اعطاء كل ذي حق حقه» و رکن رکن عالم هستی به شمار می آید. لذا به منظور حفظ این رکن، خداوند متعال انسان را به برپایی عدالت سفارش می کند و پیامبران خود را نیز به همین منظور برای انسانها فرستاده است. عدالت اقتضا می کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق امت های آینده را در نظر بگیرد. چنان که حقوق سایر هم نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد.

نکته اول: طبق آیات و روایات بر هر فردی واجب است در رفتار و منش خود اصل عدل و انصاف را رعایت کند و برای رسیدن به قله های عدالت، انصاف در بهره مندی از طبیعت خدادادی طرف انصاف را بگیرد و همان گونه با

۱۷. رحمن/۹-۷.

۱۸. تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۰۷.

محیط اطراف خود و نعمت های الهی برخوردار کند که دوست دارد آن گونه با او رفتار شود؛

نکته دوم: همان طور که احکام دین اسلام جهانی و جاودانه بوده، شامل انسان هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته اند نیز می شود. برخورداری از مواهب طبیعی نیز به یک نسل اختصاص ندارد، یعنی افزون بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خود را دارد. بر این اساس، هرگونه استفاده ای از منابع طبیعی که به نابودی آنها بینجامد یا سبب آلوده سازی محیط زیست شود و زندگی را برای دیگر انسانها مشکل سازد، به دور از عدالت و مخالف انصاف است و از نظر منطق اسلامی ممنوع و ضمان آور است.

پنجم. قاعده «من له الغنم»

بنابر روایاتی که در باب رهن رسیده، قاعده «من له الغنم فله الغرم» استفاده می شود. همچنین روایت نبوی مشهور «الخراج بالضمان»^{۱۹} بر آن دلالت دارد. ^{۲۰} طبق این قاعده هر که از چیزی فایده می برد باید جبران خسارات آن را بر عهده گیرد.

بر اساس این اصل، هر فردی که از فعالیت بهره مند می شود، باید خسارت های ناشی از آن را نیز بپذیرد. بنابراین از آنجا که بهره برداران از محیط زیست، از جمله احداث کنندگان تأسیسات و کارخانه ها که به نوعی با بهره مندی از منابع طبیعی به تولید محصولات می پردازند، مشمول این حکم از ضمانت شرعی هستند، مکلف به جبران مافات می شوند و برای جبران ضرورت دارد که حکومت اسلامی قوانینی برای این ضمانت ها وضع و با ابزار حکومتی رفتار کند. فقیهان نیز باید با شناسایی موضوع حکم ضمان چنین افرادی را بیان کنند.

۱۹. عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور احسانی، ج ۱، ص ۵۷.

۲۰. حاشیه مکاسب، یزدی، ج ۲، ص ۵۶.

ششم. تضایف حق و تکلیف

مقصود از حق در اینجا حق در برابر تکلیف است؛ چیزی که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و تکلیف، چیزی است که بر عهده فرد است و به نفع دیگران. به بیان دیگر، حق برای فرد حق گزار و حق طلب و تکلیف برای فرد مکلف است.

درباره مسئله حق و تکلیف، دانشمندان اسلامی مباحث بسیاری درافکنده اند و آثاری مستقل و ارزشمند را به آن اختصاص داده اند. علامه در قواعد (کتاب النکاح)، محقق قمی در جامع الشتات (کتاب الطلاق)، صاحب جواهر در کتاب النکاح، شیخ انصاری در کتاب البیع به آن پرداخته اند و نیز شیخ هادی تهرانی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ق)، سیدمحمد آل بحر العلوم (۱۲۶۱-۱۳۲۶ ق)، میرمحمدتقی مدرس اصفهانی (۱۲۷۶-۱۳۳۳ ق) و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ ق) رساله مستقلی در این زمینه به یادگار گذاشته اند.^{۲۱} طبق این اصل حق و تکلیف به منزله دو روی یک سکه اند، به گونه ای که هر کجا فقه حقوقی را برای کسی تعریف می کند، در کنار آن تکلیف و بایسته های را نیز تبیین کرده است. به عبارت دیگر، حق بدون تکلیف فرض پذیر نیست و وجود تکلیف نیز بدون وجود حق تصور نمی پذیرد.

با توجه به این اصل که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را داده، این حق برای همه انسان ها و در همه زمان ها وجود دارد. خداوند متعال این اصل مسلم را در قرآن کریم تصریح نموده است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۲۲

۲۱. ر. ک: مقاله امیانی کلامی حق و تکلیف، جوادی آملی، فصل نامه اندیشه نوین دینی، شماره ۱، ص ۹.
۲۲. بقره/ ۲۹.

او خدایی است که همه آنچه را [از نعمت ها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

وَالْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۲۳

زمین را برای خلائق آفرید.

بر مبنای این آیه، زمین و محیط زیست حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره مند شوند. بنابراین استفاده از این حق باید به گونه ای باشد که امکان استفاده و بهره برداری از آن برای نسل حاضر و نسل های آینده حفظ شود. در قرآن کریم، همان طور که حق بهره برداری از محیط زیست و طبیعت برای انسان ذکر شده، مسئولیت و تکلیف عمران و آبادانی زمین نیز بر عهده او گذاشته شده است.

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ۲۴

اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت. بنابر این آیه محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان بوده و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است. واگذاری عمران و آبادانی زمین بر عهده انسان در این آیه جالب توجه است.

پس انسان مسئولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد^{۲۵} و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود؛ همان گونه که در آیه ای دیگر به صراحت از فساد در زمین نهی فرموده است:

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۲۶

و بر روی زمین، بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکند.

۲۳. الرحمن/ ۱۰.
۲۴. هود/ ۶۱.
۲۵. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۱۵۱.
۲۶. اعراف/ ۸۵.

بنابراین انسان‌ها با وجود اینکه حق استفاده از محیط زیست را دارا هستند، باید این حق را برای دیگران نیز قائل باشند تا مبادا با سوء استفاده از حق خود، حق دیگران را در بهره‌مندی از محیط زیست سالم پایمال کنند. چنان‌که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

تخریب محیط زیست معلول نابرابری‌های اجتماعی و استفاده غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضييع حقوق انسان‌هاست.... نگاه اسلام به طبیعت و محیط اعم از جان‌دار و بی‌جان عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گراانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است..^{۲۷}

۲. مقررات خاص

ظرفیت‌هایی بسیار در آیات و روایات اسلامی درباره مقررات خاص وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان از آنها در زمینه‌های مختلف محیط زیست از جمله آب، هوا، خاک و رشد و نمو حیوانات و نباتات و پایداری نسل‌ها... موارد بسیار کمک گرفت. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۲۷. مقام معظم رهبری، پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست، روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۲.

یکم. آلوده کردن محیط زیست

اسلام انسان‌ها را در برابر زیستگاه خود مسئول شناخته است. در عبارتی از سخنان امام علی (ع) آمده است:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبُقَاعِ وَالْبِهَائِمِ؛^{۲۸}

بترسید از خدا در مورد بندگانش او و سرزمین‌هایشان، شما در مورد زمین‌ها و چهارپایان نیز مسئول هستید.

پیامبر اسلام (ص) از آلوده کردن حتی سرزمین مشرکان نیز نهی می‌فرمود: نهی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَلْقَى السَّمَّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛^{۲۹}

رسول خدا (ص) از آلوده کردن سرزمین مشرکین به سموم نهی فرموده‌اند.

بنابر این بیان از تخریب و آسیب به محیط زیست مردم و بلاد مختلف اعم از زمین‌ها و ساختمان‌ها و چهارپایان نهی شده است و این گونه نهی‌ها، اطلاق قدر حرمت دارد، مگر آنکه دلیلی بر کراهت آنها نباشد.

در اسلام از آلودن محیط بسیار نهی کرده است. نجس‌کننده‌ها از عوامل آلوده‌کننده، به شمار می‌روند، که مؤمنان باید از آن پرهیزند.

روایات از نجس کردن محیط زندگی نهی کرده‌اند؛ مکان‌هایی چون اطراف مساجد، کنار رودخانه‌ها، باغ‌های میوه و زیر درختان میوه، جلو و اطراف خانه‌های مردم، گذرگاه‌ها و ادار کردن داخل آب‌های جاری و ایستاده.^{۳۰}

۲۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۶.

۲۹. کافی، ج ۵، ص ۳۸.

۳۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۴.

دوم. اسراف و تبذیر

در معنای کلی به هر گونه تجاوز از حد و اندازه «اسراف» گفته می‌شود، اما غالباً این کلمه در خصوص مصرف و هزینه‌ها به کار می‌رود. تبذیر نیز به معنای ریخت و پاش است.

خداوند متعال در قرآن کریم بازها از اسراف بر حذر داشته است:

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ^{۳۱}

و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

روایات بسیاری نیز، مؤمنان را از اسراف کردن بر حذر داشته‌اند.

ابان بن تغلب در روایتی می‌گوید روزی امام صادق فرمود:

أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)... وَلَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضُمُّهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعٍ وَجَوْرٍ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصِداً وَيَشْرَبُوا قَصِداً وَيَلْبَسُوا قَصِداً وَيَتَكَبَّحُوا قَصِداً وَيَعْمُدُوا بِمَا سَوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَلْتَمُوا بِهِ شَعْتَهُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالاً وَيَشْرَبُ حَلَالاً وَيَتَكَبَّحُ حَلَالاً وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً^{۳۲}

اموال همه از آن خداست که در نزد ما انسان‌ها ودیعه گذاشته

شده است و اجازه تصرف در آنها به شرطی به انسان داده شده

است که بخورند، بنوشند، بپوشند از دواج کنند و سوار بر

مرکب‌ها شوند اما مقتصدانه و معتدلاته، و مازاد نیاز را به فقرا

دهند، مقداری را نیز برای اصلاح امور زندگی و حل

مشکلات ذخیره کنند. بنابراین هر کس چنین کند همه آنچه

خورده و نوشیده و سوار شده و ازدواج کرده بر او حلال

خواهد بود، در غیر این صورت بر او حرام می‌شود.

۳۱. انعام/۱۴۱.

۳۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵.

هر فردی که از فعالیتی بهره‌مند می‌شود، باید خسارت‌های ناشی از آن را نیز بپذیرد. بنابراین از آنجا که بهره‌برداران از محیط زیست، از جمله احداث کنندگان تأسیسات و کارخانه‌ها که به نوعی با بهره‌مندی از منابع طبیعی به تولید محصولات می‌پردازند، مشمول این حکم از ضمانت شرعی هستند.

در حدیث آمده است پیامبر از راهی عبور می‌کرد که یکی از یارانش بنام سعد را دید. او مشغول وضو گرفتن بود و آب زیاد می‌ریخت، حضرت فرمود: چرا اسراف می‌کنی ای سعد؟ عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ فرمود:

نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ^{۳۳}

آری هر چند در کنار نهر جاری باشی.

در روایت آمده است حضرت علی (ع) کودکانی را دیدند که میوه را نیم‌خورده دور می‌ریختند. حضرت آنان را بازخواست کرد که:

سُبْحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَفْتَيْتُمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يَسْتَفْتُوا أَطْعَمُوهُ مِنْ

يَحْتَاجُ إِلَيْهِ^{۳۴}

اگر شما سیر شده‌اید مردمانی هستند که نیازمندند پس به

کسانی که نیاز دارند بدهید.

امام صادق (ع) فرمود:

أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاكَةُ فَضْلِ الْإِنْتَاءِ وَابْتِدَالُ تَوْبِ الصَّوْنِ وَالْقَاءِ التَّوْبِ^{۳۵}

۳۳. مستند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳۴. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۱۱۸.

۳۵. همان، ص ۱۰۳.

کمترین اندازه اسراف عبارت است از دور ریختن آب باقی مانده در ظرف، بخشیدن لباسی که برای پوشش مورد نیاز است و به دور انداختن هسته میوه.

سوم. ضرر رساندن به نفس

قرآن کریم از تضعیف و ضرر رساندن به بدن نهی فرموده است:

وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ ۲۶

خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید.

از دستورهای مهم اسلام حفظ و حراست از سلامتی بدن است که بدین منظور در زمینه‌های مختلف، از خوردن، خوابیدن و پوشیدن گرفته تا کار و فعالیت، آداب و برنامه‌هایی برای انسان آورده که رعایت آنها در رشد و سلامتی و بالندگی جسمی و طول عمر انسان‌ها و بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های خدادادی تأثیر حیاتی دارد و همه اینها وابسته به محیطی سالم و عاری از هرگونه آلودگی است.

چهارم. حیوانات

برانگیخته شدن حیوانات در روز قیامت، از جمله مسائلی است که قرآن کریم بدان اشاره کرده است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ
مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ؛ ۳۷

هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای نیست که با دو بال خود پرواز می‌کند مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند.

۳۶. بقره/۱۹۵.

۳۷. انعام/۳۸.

مرحوم طبرسی درباره‌ی آیه‌ی پیشین می‌نویسد: مراد خداوند این است که حیوانات نیز روز قیامت محشور^{۳۸} می‌شوند و به حقوق خود می‌رسند همان طور که در روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمود:

يُقْتَصُّ لِلْجَمَاءِ مِنَ الْقِرْتَاءِ؛ ۳۹

حیوان شاخ دار در مقابل بی‌شاخ قصاب می‌شود.

در آموزه‌های دین، حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است. برای مثال هر گاه مصرف آب برای وضو یا غسل سبب شود در پی آن حیوانی از بی‌آبی تلف شود، آب را به حیوان بدهید و تیمم کنید. از نظر اسلام حیوانات از حقوقی برخوردارند، خصوصاً حیواناتی که انسان به گونه‌ی مستقیم با آنها در ارتباط است. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) شش حق برای چهارپایان بیان شده است:

لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا خَصَالٌ سِتٌّ يَدُّهَا بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَيَعْرِضُ
عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَ
لَا يَقِفُ عَلَيْهَا ظَهْرُهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَحْمِلُهَا فَوْقَ
طَائِفَتِهَا وَلَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ؛ ۴۰

- هر کجا وارد شدید اول به فکر خوراک آن باشید؛

- هر گاه به آب رسیدید، آب را به آن عرضه کنید؛

- به صورت حیوان نزنید؛ زیرا حیوان تسبیح خدا می‌گوید؛

- تنها در راه خدا بر پشت آن سوار شوید؛

۳۸. درباره‌ی حشر حیوانات احتمالات مختلفی گزارش شده است. برخی از مفسران به حشر آنها معتقدند و برخی عقیده دارند که حیوانات چون تکلیف ندارند پس حشر هم ندارند و برخی نیز معتقدند که حشر حیوانات مختص آنهایی است که مورد ظلم واقع شده‌اند و برای احقاق حق محشور می‌شوند. (ر. ک: المیزان، ج ۷، ص ۷۳).

۳۹. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۷.

- بر پشت حیوان بیش از حد توانش، بار نگذارید؛

- حیوان را به پیمودن مسیرهایی که در حد توانش نیست، وادار نکنید.

موارد یاد شده تنها درباره حیوانات باربر است. در خصوص حیوانات وحشی و اهلی دیگر در روایات معصومان (ع) موارد زیادی از حقوق حیوانات ذکر شده است.

در اسلام از آزار و اذیت مخلوقات الهی به شدت نهی شده تا جایی که برای آزار حیوانات مجازات های اخروی در نظر گرفته شده و انسان ها به بردباری در برابر نافرمانی های حیوانات و آزار ندادن آنها تشویق شده اند. همچنین در برابر اذیت و آزاری که از حیوانات بدان ها می رسد شکیبایی می ورزند، وعده پاداش داده شده است.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی از تحریک حیوانات و به جان هم انداختن آنها نهی فرموده اند:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ تَحْرِيشِ الْبِهَائِمِ. ۴۱

کتاب ثواب الاعمال روایتی از امامان (ع) در خصوص ثواب هایی ذکر کرده که خداوند برای نگاهداری و حفاظت از حیوانات به بندگان خود عطا می کند و گناهی را از او می بخشد. ۴۲

اسلام به جز در موارد خاص اجازه صید و شکار حیوانات را نمی دهد. صید حیوانات هنگام عبادت حج و نیز در محدوده حرم مکه از محرمات شمرده شده، برای آن کفاره نیز تعیین شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

مَنْ قَتَلَ حَيًّا مُمْسِقًا عَجَبًا عَجِبَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقُولُ يَا رَبِّ

۴۰. خصال، ج ۱، ص ۴۳۰ بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۰۱.

۴۱. من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۶۰.

عَبْدَكَ قَتَلْتَنِي عَجَبًا وَلَمْ يَتَّقِنِي لِمَتَّعْتَهُ؛ ۴۳

هرکس پرنده ای را بی جهت بکشد، پرنده روز قیامت به خدا شکایت می کند و می گوید خدایا بنده تو، مرا بیهوده کشت بدون اینکه از من فائده ای ببرد.

پنجم. نباتات

آبیاری درختان نیز براساس روایات اسلامی با سیراب کردن انسان تشنه ای برابری می کند. امام صادق (ع) در این زمینه فرموده اند:

مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظِمَامٍ؛ ۴۴

هرکس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که مؤمن تشنه ای را سیراب کرده باشد.

مسئله مهم دیگری که امروز بیش از همه محیط زیست را به خطر انداخته، قطع درختان و از بین بردن مراتع و جنگل هاست. این عمل از نظر اسلام بسیار زشت و موجب عذاب الهی دانسته شده است. امام صادق (ع) به شدت از بردن درختان نهی کرده فرموده است:

لَا تَقْطَعُوا الشَّجَرَ يُصِيبُ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ صَبًّا؛ ۴۵

هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را بر شما فرود می آورد.

شاید در زمان امام صادق (ع) مردم از شنیدن این گونه گفتارها شگفت زده می شدند و دلیل آن را نمی دانستند، اما امروز که نقش درختان در پالایش هوا، کاهش آلودگی، بازدارندگی سیلاب ها، ایجاد نشاط روحی و بسیاری از فواید دیگر شناخته شده و در مقابل، آثار خطرناک و ویران کننده قطع و کاهش درختان

۴۲. ثواب الاعمال، ص ۱۹۰.

۴۳. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۳۰۶.

۴۴. همان، ج ۶۳، ص ۱۱۳، ج ۷.

و سرسبزی طبیعت آشکار شده، نقش حیاتی و زیست محیطی تأکید و هشدار امام(ع)، به خوبی روشن می شود.

جالب اینکه در سیره و گفتار بزرگان دین مشاهده می شود که علاوه بر مقابله با قطع درختان، در صورت لزوم قطع درختی، خود را به کاشت درختی دیگر به جای آن پایبند می دانستند. بزنتی می گوید از امام رضا(ع) در مورد قطع درخت سدر پرسیدم که حضرت فرمود: امام موسی کاظم(ع) وقتی سدری را قطع کردند به جای آن درخت انگور کاشتند.^{۲۶}

نتیجه

با نگاهی گذرا به منابع فقهی پی می بریم که در فقه اسلامی ظرفیت های بسیاری برای قانون گذاری و اجرای قوانین محیط زیست وجود دارد که می توان با بهره برداری از این ظرفیت ها به پی ریزی قوانین اجتماعی براساس احکام اسلامی یاری رساند. همچنین، باید مکلفان با عنایت به احکام شریعت اسلامی خود را در معرض تکلیف حفاظت از محیط زیست و اجتناب از تخریب آن ببینند. افزون بر این براساس فقه اسلامی اگر فعالیت بخش دولتی و خصوصی در دریا، هوا، خاک و زمین موجب ایجاد عارضیه و آسیب زیست محیطی گردد، آسیب رسان ضامن است و باید از عهده جبران خسارت های رسیده برآید و اگر این فعالیت به دولت و یا سازمان های دولتی به دلیل کوتاهی در نظارت و یا به دلیل سوء مدیریت و یا ضعف برنامه ریزی قابل انتقال باشد، از نظر فقهی مسئولیت به صورت تضامنی و یا به صورت جداگانه قابل طرح و پیگیری است و اساساً ضمانت درباره پدیدآورنده ایجاد عارضه است و هر کسی در این زمینه کوتاهی کرده باشد، خلافکار محسوب می شود و شرعاً ضامن است.

۲۵. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۹.

۲۶. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۶۶، ح ۱۲.

میراث فرهنگ؛

چالش های فقهی و حقوقی

اشاره

به همت پژوهشکده ی فقه و حقوق، نشست با محوریت میراث فرهنگی؛ موضوع شناسی و چالش های فقهی - حقوقی برگزار شد.

در این نشست، سه تن از پژوهشگران، از سه منظر به بحث و نظر پرداختند:

۱. مهندس سید محمد بهشتی

* مسئول بخش سازمان میراث فرهنگی (۱۳۷۶-۱۳۸۲).

* معاون رئیس سازمان و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (۱۳۸۳-۱۳۸۴).

۲. آقای صمدی

* کارشناس حقوقی سازمان میراث فرهنگی.

* مدیرکل دفتر حقوق بین الملل سازمان میراث فرهنگی (۱۳۶۴-۱۳۸۴).
* استاد دانشگاه.

* پژوهشگر عرصه ی میراث فرهنگی.

۳. حجت الاسلام والمسلمین اراکی.

* عضو مجلس خبرگان رهبری.

* سرپرست مجمع جهانی اهل بیت.

* نماینده ی پیشین رهبری در کشور انگلستان.

در پایان این نشست، پژوهشگران به پرسش های حاضران پاسخ دادند.